مجموعه فرهنگی مردم شناسی با رویکرد احساس تعلق به فضا

رضا رستمی پریزاد: کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام شهر، ایران
Reza.parizadd@gmail.com

چکیده

فرهنگ، هنر و معماری از دیرباز در کشورمان مورد توجه و اهمیت بوده است. اما در چند دهه‌ی اخیر معماری بومی موجود در اقلیم های سرزمین پهناورمان همواره مورد بی توجهی و بی مهری قرار گرفته است. بی شک وجود موزه به عنوان یک نهاد فرهنگی در اجتماع بسیار ضروری است. فرهنگ هر جامعه یک مفهوم کلی است و تمامی ارزش‌ها ویافته های معنوی مردمان آن جامعه را در برمی‌گیرد. پس فرهنگ میراث هر قومی است که از پیشینیان بر گرفته شده و در آن تغییراتی داده شده و به نسل بعد انتقال یافته است. نقش حیاتی موزه‌ها در جوامع بشری نقشی بدیع، ماندگار و مروج ناب ترین پدیده‌های فرهنگی است. موزه‌ها از معدود مراکز حافظ یادگاران نسل گذشته و در حقیقت فرزندان هنر و تاریخ هستند. همراه با تحولات زمانه، علم موزه داری نیز شیوه های نو و متفاوتی را با گذشته، به منظور حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی، اختیار کرده و بنا بر ویژگی هایش بیش از پیش با معماری، علوم اجتماعی و محیط زیست عجین شده است. تحقق اهداف مذکور، این نوشتار به بررسی مفاهیم در راس ارتباط انسان و مکان، پیوند انسان و مکان از نظرگاه های مختلف و در نهایت به حس مکان با رویکردی کالبدی که بیشتر در اختیار طراحان و قابل کنترل است، می‌پردازد. در این مقاله از روش تحقیق توصیفی –تحلیلی بررسی شده است. با بررسی مفهوم موزه و ریشه یابی این واژه در منابع مختلف به صورت ریشه ای به بررسی این مفهوم می پردازد. همچنین انواع موزه‌ها را از جنبه‌های گوناگون مورد کنکاش قرار می‌دهد. در مهمترین بخش از مباحث این پژوهش به بررسی موزه‌های مردم شناسی و آثار و دستاوردهای آن‌ها می‌پردازیم .هدف از این مقاله، موزه‌ها در حقیقت نماد، پیشینه تاریخ و تمدن، غنای فرهنگ و هنر کشورها هستند که احداث آن ها به امری زیر ساختی و یک ضرورت ملی- فرهنگی تبدیل شده است.

د)کلید واژگان: موزه،مردم شناسی، فرهنگ، معماری، ادارک حسی

۲-مقدمه

هدف از ایجاد فضای فرهنگی همان موزه ها، تحقیق در آثار و شواهد به جای مانده انسان و محیط زیست او، گرداوری آثار، حفظ و بهره‌وری و ایجاد ارتباط میان این آثار، به ویژه به نمایش گذارندن آن‌ها به منظور بررسی و بهره معنوی است. موزه‌ها در حقیقت نماد، پیشینه تاریخ و تمدن، غنای فرهنگ و هنر کشورها هستند که احداث آن‌ها به امری زیر ساختی و یک ضرورت ملی- فرهنگی تبدیل شده است. دانش مردم شناسی بر این باور است که باید از غلبه نگاه کمی نسبت به فرهنگ جلوگیری کرد و با نگاه کیفی به آن نظر دوخت به سخن دیگر دانش مردم شناسی نماینده اصلی نگاه کیفی به مقوله فرهنگ است. مردم شناسی در شکل علمی خود تنها شناخت فرهنگ‌های غیرخودی نیست بلکه شناخت فرهنگ‌های خودی نیز هست موزه‌های مردم شناسی و باستانشناسی یا موزه منطقه‌ای، که علایق یک جامعه کوچک محلی را معرفی می کنند، نمایانگر توانایی‌های جوامع مختلف بشری هستند.موزه در عین حال که در خدمت یک جامعه است، معرف آن جامعه نیز می‌باشد. اهداف و عملکرد فرهنگی «تاریخ فرهنگی» در حال حاضر این نوع موزه‌ها را در اکثر کشورها موزه‌های یک موزه انسان شناسی از یک سو نشان دادن اهمیت و ارزش و قابل احترام بودن میراث ملی جوامع مختلف و از سوی دیگر نمایش وابستگی، مشترکات و توجه به مرکز مشترک تمدن‌ها علیرغم اختلاف نژادهاست.

مراکز فرهنگی توان حیات بخشی فرهنگی دارند نفوذ فعالیت‌های فرهنگی در ساماندهی حیات اجتماعی بسیار تاثیر گذارند به گونه‌ای که ایجاد فضاهای گوناگون فرهنگی به صورت مراکز فرهنگی یا فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ در مقیاس‌های مختلف شهری فعالیت‌های یکپارچه فرهنگی را موجب می‌شوند (اشرفی،۱۳۸۹). استفاده از رویکرد ادراک حسی محیطی به دلیل جنبه پدیدار شناسانه آن فرهنگ انسان‌ها را بهتر می‌تواند مورد بررسی قرار دهد پس الگوهای فرهنگی آن‌هارا نیز به خوبی می تواند در فرآیند طراحی نمایش دهد.هر زمان که تصمیم به ساختن موزه ای می گیریم، مسأله اساسی و مقدماتی که می‌بایست به آن توجه نمود، انتخاب مکانی است مناسب، مکانی که امکانات مختلفی را دارا باشد و علاوه برآن، هریک از این امکانات به گونه‌ای خاص بایستی با دقت، مورد بررسی قرار گیرند. آنچه که در انتخاب سایت مناسب جهت موزه علیرغم موارد مالی و امکانات فرهنگی و از این دست موارد، باید منشأ اثر دانست. براساس آن دو نگرش کلی در رابطه با موضوع ادراک وجود دارد: یکی بر دریافت تجربه حسی و دیگری به حواس به عنوان نظام های فعال و مرتبط متکی است. دسته اول:چگونگی قرارگیری داده‌های حسی و واحدهای مفروض ادراک در مغز را توضیح می‌دهند. مهمترین این نظریه‌های ادراکی عبارتند از: تجربه تراپی، مکتب کنش متقابل، نظریه‌های فطرت‌گرا و فرد گرا، نظریه گشتالت، نظریه تحلیل اطلاعات و در مقابل این نظریه‌ها رویکرد اکولوژیک گیبسون است.(لنگ)متاسفانه پس از ابوریحان بیرونی روش و نگاه مردم شناسی او در ایران، در درک فرهنگ آن چنان که باید مورد توجه واقع نشد وحتی می توان گفت به دست فراموشی سپرده شد.به این دلیل است که باید در درک عمیق تر کاربردهای امروزی مردم شناسی و ابعاد کاربردی آن به تجارب علمی کشورهای دیگر توجه نمود. درمباحث مردم شناسی سه مفهوم کلیدی وجود دارد:

۱. فرهنگ مردمی،که فرهنگی برآمده از سنت هاست.
۲. فرهنگ عمومی،که حوزه سیاست گذاری فرهنگ عمومی را در بر دارد.
۳. فرهنگ عامیانه،که درواقع بحث فرهنگ عامه پسندیا فرهنگی است که متأثر ازصنعت فرهنگ رسانه های جمعی و هنر توده ای است وجود یک همچین فضایی با وجود لازم بودن آن نیاز است آدم ها الگوهای فرهنگی را بهتر بشناسندو افراد فرهیخته بتوانند دغدغه فرهنگی خود را در آن حل کنند.و همچنین،همچین رویکردی در طراحی شهری کمتر استفاده شده و ازآنجا به نظر می رسد سابقه ای هم نداریم این نیاز دیده شده تا همچین پروژه‌ای طراحی گردد. اهداف آن طراحی مجموعه موزه مردم شناسی به منظور شناخت بهتر الگوهای فرهنگی می باشد. و فضایی که در آن افراد احساس تعلق بیشتری داشته باشند.

۳-پیشینه تحقیق

اولین مجموعه شخصی دنیا در سال ۱۶۸۳ میلادی در آکسفورد انگلستان با نام موزه "آشمولین" به صورت عمومی در آمد. در دوره رنسانس که تحول عظیم فرهنگی هنری در اروپا (قرن پانزدهم به بعد) پدید آمد، موزه ها نیز بیشتر مورد توجه قرار گرفتند و ارزش راستین خود را باز یافتند. اوج هنری در موزه داری جهان را می توان در"موزه لوور پاریس" دید. این موزه که هم اکنون به صورت یک مرکز بزرگ پژوهشی در آمده است، بزرگترین موزه دنیا محسوب می شود.

ساختمان این موزه قبل از انقلاب کبیر فرانسه، یکی از کاخ‌های سلطنتی فرانسه بود که در آن آثار با ارزش هنری نگه داری می شد. پس از انقلاب کبیر فرانسه در سال(۱۷۸۹ م) این کاخ با آثارش به مردم فرانسه اهدا شد و در سال (۱۷۹۳ م) تبدیل به موزه ملی فرانسه گردید. بخش عظیمی از آثار این موزه به دایره"هنر اسلامی" اختصاص دارد که این اشیا را وزارت آموزش و هنرهای ظریفه ی دولت فرانسه برای غنی کردن موزه از کشورهای مشرق زمین گردآوری کرده است . هیأت های مختلف فرانسوی حدود صد سال در ایران به کاوش های باستان شناسی پرداخته اند. که از جمله آنان می توان به "آندره گدار"،" ژاک دمورگان" و" مارسل دیولافوا" اشاره نمود. در سال ۱۸۸۹ م دمورگان به ایران آمد و به حفاری پرداخت. سپس در سال ۱۸۹۵ م امتیاز حفاری در ایران را از ناصرالدین‌شاه گرفت و بعد از آن در زمان مظفرالدین شاه آن را تمدید کرد که به موجب آن امتیاز انحصار حفاری باستان شناسی در تمام ایران به دولت فرانسه واگذار شد. در این مدت، بیشتر اشیای تاریخی و منحصر به فرد چونلوح قانون حمورابی و ....زینت بخش موزه لوور پاریس شد. تاریخ تشکیل اولین موزه در ایران را باید در گنجینه‌های گران‌بهایی که باستان شناسان به دست آورده اند، جستجو کرد. ایرانیان برای رهایی از آسیب بیگانگان گاهی گنجینه های گرانبهایی مانند کلوزر، کلماکره و مجموعه سفال آبگینه گرگان را درون چاه ها و حفره هایی پنهان می‌کردند.

اولین بار به دستور ناصرالدین شاه قاجار در داخلکاخ سلطنتی گلستان، تالاری به موزه اختصاص یافت. که سپس همین مکان با ملحقاتی غنی تر شد و به نام موزه "همایونی" گشایش یافت. روزنامه شرف در توصیف این موزه می نویسد: « طول "موزه همایونی" چهل و سه زرع و عرضاً هیجده زرع مشتمل بر بیست اتاق است. این موزه خزینه ای است مشحون به ظواهر و جواهر گرانبها و ظرایف و نفایس اشیاء آثار جلیله علمیه و مهمان حریبه قدیمه، آلات، ادوات متنوعه و مصنوعات ازمنه سابقه و نتایج خیالات حکمای بزرگوار و تماثیل و تصاویر نگارنده های بی مثل و مانند روزگار و پرده های نقاشی کار نقاش های مشهور و حاصل صناعی کارخانه های معروف و ظروف چینی بسیار و ممتاز کار چین و روسیه و انگلیس و بلور آلات، کارخانه های ساکس و نیز کارخانه های معتبر« این موزه پس از مدتی

از بین رفت. جواهرات آن به خزانه بانک ملی انتقال یافت و بعدا به موزه مجهزی تبدیل شد و سلاح های آن به موزه دانشکده افسری سپرده شد . در دوره‌ی مشروطه به دستور وزیر معارف صنیع الدوله دایره ای به نام اداره عتیقات بین سال های (۱۲۹۵- ۱۲۹۷ م) به وجود آمد که کارش سر و سامان دادن به وضع خراب حفاری های غیر مجاز بود. در همین زمان بود که موزه" ایران معارف" تأسیس شد. موزه را نبایستی مکانی دانست که در آنجا صرفا آثار تاریخی و باستانی به نمایش در می آید، بلکه تمامی نمایشگاه های هنری، علمی ، جانوری، پزشکی ، نگارخانه‌ها، کتابخانه ها و آرشیوها و بیشتر بناهای تاریخی به نوعی موزه هستند. هر شیء و اثر به نمایش گذاشته شده در موزه یا نمایشگاه، زبان حالی دارد و با بیننده اش ارتباط برقرار می‌کند به طوری که با تعمق و تفکر می‌توان زبان حال این آثار را دریافت و از دیدگاه‌های مختلف، آن را بررسی نمود.

این موزه در برگیرنده اشیای عتیقه، کاشی، سفال، سکه و سلاح بود که به عنوان اولین گام موثر در تاریخ موزه داری ایران به شمار می‌رود. بیشترین جلوه تاریخ موزه داری ایران را در ایجادموزه ایران باستان باید جستجو کرد. این موزه با ۲۷۴۴ متر زیر بنا به دلیل قدمت اشیا، در زمره یکی از موزه‌های مادر دنیا محسوب می شود که به سال ۱۳۱۶ خورشیدی افتتاح گردید.

۴-چهارچوب نظری

۴-۱-واژه شناسی موزه

ریشه واژه موزه از لغت یونانی موزین Mousein به معنای مقر زندگی و Mouse الهه هنر و صنایع در اساطیر یونان اقتباس شده است. این واژه در زبان انگلیسی میوزیم Museum ، در زبان فرانسه موزه Musee تلفظ می‌شود. در حدود دهه ۱۲۹۰ هـق تلفظ فرانسه موزه به زبان فارسی راه یافت.پیشینه آن به سفرهای ناصرالدین شاه قاجار به اروپا و دیدن موزه های آن دیار و تصمیم او به ایجاد مشابه آن در ارگ سلطنتی تهران باز می‌گردد(طالبیان و همکاران،۱۳۸۵).

۴-۲-انواع موزه‌ها

در طبقه بندی عمومی، موزه ها را می توان به دو گروه تفکیک کرد: نخست موزه نمایش اشیاء است که قدمت زیادی دارد و در آن تملک، حفاظت، مرمت و ارائه اشیاء موردنظر است و بر اساس موضوع و محتوا انواع مختلفی دارند و دیگری موزه ای است که بر تحقیق، بررسی و به کارگیری روش های مدیریتی لازم و تفسیر حاصل از روند مشارکت مردم تکیه دارد. موضوع قوم شناسی و بوم شناسی از نشانه های بارز موزه های نوع دوم است. این گونه موزه‌ها در طول زمان و در نقاط مختلف اسامی متفاوتی مانند موزه همسایگی و پارک های طبیعی گشته اند و امروز با نام (اکو موزه)شهرت دارند(اشرفی،۱۳۸۹). در جدول زیر تفاوت های این دو موزه آمده است:

جدول۱:مقایسه موزه سنتی و اکو موزه

	موضوع نمایش	زمان مورد نظر	هدف	فضا	گستره فعالیت ها	ابزار مدیریت	روش حفاظت
موزه	اشیاء	گذشته	حفاظت و معرفی اشیاء	ساختمان(فضای بسته)	محدود	مدیریت و نظارت مستقیم کارشناسان و متخصصان	حفاظت آزمایشگاهی
اکو موزه	اشیاء، آداب و سنن، فرهنگ و مردم محلی	گذشته، حال و آینده	حفاظت و معرفی ارتباطات طبیعت، جامعه و انسان	محوطه باز، شامل مجموعه ای از بناهای سنتی و مرکز اطلاعات رسانی و شبکه های دسترسی و محیط پیرامون طبیعی	بسیار متنوع	مشارکت مردم محلی، متخصصان و بازدید کنندگان	حفاظت در محل

منبع: (اشرفی،۱۳۸۹).

۴-۳-موزه مردم شناسی

موزه‌های مردم شناسی به طور خود به خودی بوجود نیامده‌اند، آن‌ها وارث انواع گوناگون بیان موزه نگاری هستند که از اواخر قرن نوزدهم میلادی به بعد توصعه یافته‌اند از نیمه قرن نوزدهم به بعد دو معقوله بزرگ درباره موزه‌های تاریخی وموزه‌های مردم نگاری بوجود آمد. ابتدا موزه‌های سرزمین و سپس موزه‌های هویت مطرح شدند. مفهوم این‌ها نیز چندان گویا نبود؛ موزه‌های سرزمین حامل هویت بودند و موزه‌های هویت به یک یا چند سرزمین برمی گشتند. موزه سرزمین در روستاهایی پا می‌گرفت که مردمانش به میراث محلی و بومی خود حساس بودند. ابداع کنندگان آن غالباً فاضلان محلی و مجمع علما بودند. بدیهی است که نخبگان، هر قدر هم که روشنفکر باشند، باز به تنهایی قادر به خلق پدیده یا پدیده‌های نو و در نتیجه تمدنی نو نیستند. برای این کار نیروی فکری وجسمی همه انسان‌ها مورد نیازاست. برپا کنندگان این نوع موزه‌ها بیش از این که هدفی علمی را دنبال کنند به هداف شخصی،قشری،سیاسی یا احساسی توجه داشتند.این موزه ها مجموعه اشیایی را بدون ارتباط با یکدیگر و بدون ارتباط با انسان مصرف کننده آن عرضه می کردند؛نمایشگاهی از اشیاء تقریباً نا متجانس بودند که بدون هیچ نوع روند و روالی در جعبه آینه ها جای داشتند. گذر از فولکلور یا فرهنگ عامیانه به مردم شناسی از یک سو و از سوی دیگر اندیشه ها و نظریات نوین موزه نگاری ژرژهانری ریوی یر راه را برای مفهوم دیگری از موزه شناسی باز کرد:از این پس اشیا را به خاطر این که زیبا هستند،یا این که ارزشی را می نمایانند ارائه نخواهیم کرد، بلکه به این دلیل آن ها را ارائه خواهیم کرد که بحثی علمی را بیان می‌کنند. موزه ها از این پس باید به بازدید کننده کمک کنند تا گذشته خود را برای تسلط به آینده باز شناسد(زاهدی،۱۳۸۷).

۴-۳-۱-پیام شیء مردم شناسی

شیء مردم شناسی،فرآیند تطور و تحول عنصر یا شاخه ای از فرهنگ را در خود متجلی می کند. پیام شیء مردم شناسی، در واقع، معنای فرهنگی آن است. شیء در جریان فعالیت انسان، پدید می‌آید، و در متن کار، مراسم، بازی و رفتارهای دیگر می‌نشیند و آن‌ها را در خود متبلور می‌کند؛ به این لحاظ در بسیاری، شناخت از گذر شیء حاصل می‌شود. شیء مردم شناسی خصوصیات فرهنگی یک مقطع زمانی و یا یک حوزه جغرافیایی را بیان می کند، و یابیان حلقه‌ای از

مجموعه جریان فرهنگ و تمدن است. پیام شیء مردم شناسی پیوستگی و پیوند دیروز و امروز مردم ماست، چرا که چونان آن گیاه کویری جوهره وجودش را از آب حیاتی که در لایه‌های زیرین فرهنگ است می گیرد، و رشته‌های گذشته از زمان ها آن را به روزگار ما می‌رساند. پیام شیء مردم شناسی، قصه ای است که در وجود شیء برای بیننده‌اش خوانده می‌شود(اناهیتا مکوندی،۱۳۹۳). موزه مردم شناسی الگوی بهره‌گیری توسعه‌ای در موزه اول ببینیم توسعه چیست و چه تعریفی برای توسعه داریم. بعد ببینیم موزه چیست، سپس بپردازیم به این که چگونه موزه‌ای می‌تواند در راستای توسعه باشد و نقش توسعه‌ای داشته باشد.توسعه، یعنی هماهنگ کردن آنچه که بر ساختار فرهنگی جامعه واردمی‌شود، با ویژگی‌های فرهنگ خودی؛ یعنی سمت و سوی فرهنگ خودی به جریان تغییرات دادن؛ یعنی بر قرار کردن تعادل پویا، میان فرهنگ ملی(خودی)با عناصر وارداتی؛ یعنی هدایت برنامه‌ریزی شده تغییرات و تحولات درراستای بهسازی و رشد جامعه و زندگی مردم. در سرزمین ما و فرهنگ ما، توسعه به این معنا، واژه تازه‌ای است، اما مفهوم تازه‌ای نیست؛ امری ریشه‌دار و تاریخی است. ویژگی بر جسته و نمایان فرهنگ سرزمین ما، آمیختن هر پدیده تازه، با عناصر فرهنگ بومی و ارایه فرهنگی بالنده‌تر، درخشان‌تر و پر بارتر است. و این رمز پویایی و تداوم هستی فرهنگی ما است. تلفیق جلوه‌های گوناگون مدنیت ملت‌های مختلف، در عصر هخامنشیان، یک جهش توسعه‌ای در تاریخ فرهنگ و تمدن جهانی است.

فرهنگ و تمدن شکوهمند قرن‌های سوم تا ششم هجری، که ریشه در تعالیم اسلامی و تفکر ومیراث فرهنگ ایرانی دارد، حاصل یک فرآیند عظیم توسعه فرهنگی است. وقتی جانشینان چنگیز در ایران آیین اسلام و فرهنگ ایرانی رامی‌پذیرند و به جای راه افتادن اسباب‌های خون، دانشمندان در رصد خانه مراغه، به رصد ستارگان می‌نشینند؛ وقتی آنان که قلعه الموت راویران کردند، با دستان پرتوان هنرمندان این سرزمین، نگین فیروزه ای گنبد رابر پهن دشت سلطانیه می‌نشانند؛ جلوه های آشکاری ازتوسعه فرهنگی رخ می نماید. توسعه به معنایی که گفته شد، جان‌مایه حرکت و استمرار فرهنگی است. در هر جا توسعه نباشد، آنجا نقطه پایان یک جریان است. همه ملت‌ها و فرهنگ‌هایی که در مقاطعی از تاریخ مردهاند و فراموش شدند امکان توسعه پیدا نکردند؛ یعنی امکان هماهنگی یاد شده برای حرکت توسعه‌ای را نداشتند. با این تعریف هر چیز که بتواند نقشی در فرآیند این هماهنگی داشته باشد در راستای توسعه فرهنگی است.موزه، توان بالقوه چنین جایگاهی را دارد. موزه یک مکان فرهنگی معرفی و آموزش است. شیء را به تماشا می گذارد، ارزش آن را می‌نمایاند، و ازگذر شیء بیننده را به شناخت می‌رساند و آموزش می‌دهد. اورا آشنا و اگاه می‌کند(آناهیتامکوندی و همکاران،۱۳۹۳).

شیء حاصل کنش متقابل دریافت و رفتار است، و در بستر الگوهای رفتاری ،اعم از رفتار فنی،رفتار آیینی و جز آن پدید می‌آید. شیء اعم است از آنچه که تجسم می یابد و آنچه که صورت رفتاری و ذهنی دارد برابر واژهobject درزبان‌های فرانسه و انگلیسی. (هر شیء تبلور یک جریان کار و اندیشه است، که به پدید آمدن آن انجامیده است و خود وسیله‌ای شده است برای سیر و جریانی دیگر.هر شیء شاخه‌ای و رشته‌ای از فرهنگ را در خود جای دارد. از دیروز آغاز شده است در امروز جریان دارد،و تصویرش در آیینه فردا پیداست. موزه، یعنی مکانی که شیء با این توصیف و از این گونه را در آنجا قرار می‌دهیم؛ و به تماشای آن می‌نشینیم و اگر دل بدان بسپاریم و اگر نیک بنگریم و خوب نگاهش کنیم، بربال های پرواز آن می‌نشینیم و عرصه گستردهای از دیروز امروز و فردا را پیش چشم خودخواهیم داشت. بنابراین، اگر در موزه آنچه را که مربوط به گذشته است و پیوندش با امروز قطع شده است به نمایش بگذاریم. و اگر مجموعه اشیا مربوط به موضوع معینی را بدون ارتباط باکلیت و نظام فرهنگی جامعه، به نمایش بگذاریم، اینگونه موزه‌ها، موزه هستند، اما نقش توسعه‌ای ندارند. موزه باید در قالب اشیای خود، دور دست گذشته و آینده را در پهنه افق امروز ببیند.

کلیت نظام‌مندی و استمرار فرهنگی را پیش چشم نهد، و رمز و راز آن را در جان اشیا بنمایاند، تماشاگه راز باشد و آموزگار. چنین موزه‌ای در راستای توسعه فرهنگی است. در چنین موزه ای آن توان نهفته(بالقوه) به کار می‌نشیند (بالفعل می شود)؛و این‌ها مشخصه‌هایی است که با موزه‌های مردمشناسی همخوانی دارد. از این نگاه، موزه‌هایی که اشیای روزگاران کهن را به نمایش می‌گذارند و به اصطلاح موزه‌های باستان شناسی یا مردم شناسی تاریخی‌اند، اگر بتوانند خودشان را با امروز پیوند بزنند، استمرار فرهنگی را بنمایانند، و یا چگونگی و چر ایی انقطاع و گسستگی را نشاندهند، در راستای توسعه قابل بهره گیری اند.کدام اشیا در موزه مردم شناسی می نشینند؟ شیءکه در جریان پژوهش مردم شناسی مورد مطالعه قرار می گیرد،و از این رهگذر در غرفه های موزه های مردم شناسی می‌نشینند، و بدین سبب«شیئی مردم شناسی»نام می‌گیرد، آن شیئی است که در هر زمانی پدید آمده باشد،حضور نقشمندش راتا زمان معاصر در میان مردم حفظ کرده باشد.همین تعریف کافی است که شیئی بررسی شده در پژوهش مردم شناسی بتواند در راستای توسعه فرهنگی مورد مطالعه و بهره برداری واقع شود. چرا که این چنین شیئی،به هر شکل توانسته است،خود را باجریان و تغییرات هماهنگ کند و در گذر زمان تا به امروز بکشاند.موزه های مردم شناسی مجموعه های چنین اشیایی هستند ویا باید باشند(آناهیتا مکوندی وهمکاران،۱۳۹۳).

۴-۴-تعریف روانشناسی محیط

ما انسان ها هر کدام ویژگی های روانی، جسمانی، فرهنگی شخصیتی و اجتماعی خود را داریم اما هم زمان مانند مظروفی که شکل ظرفش را میگیرد تحت تأثیر بسیار زیاد محیط زندگی مان نیز هستیم. در واقع محیط ظرف و احساسات و رفتار ما مظروف است. ما به عنوان انسان در عین حال خودمان مشغول ساختن ظرف و رفتارهایمان نیز هستیم، جمله معروف وینستون چرچیل: ما ساختمان‌ها را می‌سازیم و ساختمان‌ها ماراو این جمله بیانگر تأثیر متقابل ما و محیط زندگی‌مان را بیان می‌کند. به همین دلیل بیشتر پژوهشگران روانشناسی محیط کشف و طرح یکی از ابعاد محیط رفتاری است. اکنون به عنوان یک علم میان دانشی و چند دانشی، هم روانشناسان و هم طراحان محیط به ویژه معماران، طراحان و طراحان منظر و طراحان شهری در پیشبرد آن سهیم هستند. دانش روانشناسی محیطی یعنی مداخله طراحان محیط در این دانش و اکنون می‌توان گفت روانشناسی محیطی علم بررسی تأثیرات متقابل انسان و محیط در این دانش و اکنون می‌توان گفت روانشناسی محیطی علم بررسی تاثیرات متقابل انسان و محیط بر یکدیگر است. در واقع انسان خود از عوامل تشکیل دهنده محیط است این موضوع از نظر کمی و از نظر کیفی بر محیط تأثیر می گذارد.

نمودار۱:روانشناسی محیطی علم بررسی تاثیرات متقابل انسان و محیط بر یکدیگر است.

۴-۵-تعریف محیط

محیط مفهومی پیچیده است که معانی و ابعاد گوناگونی از قبیل داده های فضایی، جنبه های اجتماعی، فرهنگی ،فیزیکی، معماری، نمادی، جغرافیایی، زیست و تاریخی دارد. معنی و محتوای محیط از نظر نظریه پردازان در جدول زیرآورده شده است.

جدول۲:ماهیت محیط از دیدگاه برخی از محققان

ردیف	نظریه پرداز	سال	نظریه
۱	هلپاخ	۱۹۰۰	محیط طبیعی/اجتماعی/فرهنگی
۲	کوفکا	۱۹۳۵	محیط جغرافیایی/محیط رفتاری
۳	لوین	۱۹۵۱	محیط شخصی
۴	گیبسون	۱۹۶۰	محیط زمینی یا جغرافیایی/محیط پویا/محیط فرهنگی
۵	کریک	۱۹۶۳	محیط شخصی/محیط پدیده ای
۶	آلتمن	۱۹۷۵	محیط فیزیکی/محیط اجتماعی
۷	سانفاد	۱۹۷۷	محیط سلسله مراتبی(مخیط رفتاری/محیط ادراکی/محیط عملی/محیط جغرافیایی)
۸	پورتیوس	۱۹۷۷	محیط پدیده ایی/محیط شخصی/محیط مفهومی
۹	جکل	۱۹۷۶	محیط عینی/محیط ذهنی
۱۰	لدک	۱۹۷۸	محیط کالبدی/محیط اجتماعی/محیط روان شناختی/محیط رفتاری
۱۱	پرو شاسکی	۱۹۹۰	محیط فیزیکی/محیط اجتماعی نیز هست.ایندو تفکیک ناپذیرند.
۱۲	راپاپورت	۱۹۹۰	اشیا و اشیا/اشیا و مردم/مردم و مردم
۱۳	بل	۱۹۹۹	انسان بخشی از محیط اطراف خود است.محیط یک کل با اجزای داخلی مرتبط با یکدیگرست

منبع(پاکزاد،۱۳۹۳).

۴-۶-مبانی فرآیند ادراک

در فرآیند ادراک هر فرد از محیط اطراف خود، پیام ها را توسط اندام حسی اش دریافت کرده و در مغز به پردازش و تفکر درباره آن می پردازد. اجسامی که پیام ارسال می‌کند به عنوان فرستنده و انسان که پیام را دریافت می کند به عنوان گیرنده قلمداد می شوند. کانال‌های مختلف ادارک بشری، مطابق با اندام‌های حسی متفاوت انسان می باشند، منظور از کانال های طبیعی، کانال‌های هستند که پیام را به طور مستقیم از طریق اندام های حسی منتقل می کنند در حالی که کانال های مصنوعی برای ارسال پیام از دستگاه های تکنیکی مثل رادیو استفاده می کنند(پاکزاد،۱۳۹۳).

۴-۶-۱-عوامل بیرونی موثر بر ادراک

در فرآیند ادراک هر شخص نسبت به فرد دیگر تفاوت هایی وجود دارد، بعضی از این تفاوت ها مربوط به تفاوت ها مربوط به تفاوت های فردی اشخاص مانند داشتن تجربه‌های متفاوت، جنسیت، فرهنگ، شغل و ... می باشد. و بعضی از این فاکتورها مربوط به جلوه های متفاوت محیط است.

۴-۶-۲-عوامل درونی موثر بر ادراک

فارغ از عوامل و محرک های محیطی، محرک های درونی و مشترک انسان ها مانند انسان ها حواس پنج گانه و تعامل آن ها با هم و سیستم عصبی و مغز انسان نیز بر ادراک او تأثیر می گذارد. بنابراین شناخت هر چه بیشتر این ابزارهای ادارکی و نحوه واکنش آن‌ها نسبتبه محیط، می تواند برای دریافت پیام از محیط به کار گرفته شود(پاکزاد،۱۳۹۳).

۴-۶-۳-ارتباط و تعامل حواس

با وجودی که کار هر یک از اندام‌های حسی، مختص به خود اوست، ولی این اندام ها در حین دریافت پیام ها، رابطه بسیار تنگاتنگی هم با یکدیگر داشته و برهم تأثیر می گذارند. اندام های حسی مختلف، همیشه کار یکسانی انجام نمی دهند. دریافت پیام به نوع فرهنگ هم بستگی دارد. همچنین تجربه ای که از یک بنای معماری کسب می کنیم تنها با دریافت های بصری ما به دست نمی آید. مثلاً با دیدن یک کلیسای گوتیک، هم زمان آواز کر و بوم های مخصوصی که به مشام می رسد، به طور کلی ما را تحت تأثیر قرار می دهد. حس بینایی و شنوایی و لمسائی برای دریافت پیام بناهای معماری، حائز اهمیت می باشد با هم به کار گرفته شوند.اگرچه حس بینایی در هنر معماری مهم ترین نقش را ایفا می کند ولی به تنهایی مورد استفاده قرار نمی گیرد. ابتدا باید تأکید کرد که دریافت های بصری انسان، تصویر دقیقی از محیط اطراف رادر اختیارمان نمی گذارد. به عبارت دیگر مغز ما اطلاعات بینایی، شنوایی، بویایی و حتی لامسه را باهم ترکیب می منذ تا به دریافت یکپارچه ای که مد نظر فرآیند اداراک است برسد. گرچه منظر بصری در ادراک غالب است، اما منظر شهری ترکیبی است از منظر صوتی، بویایی، لامسه، و..... به این نوع همکاری حس باهم تعامل حواس می گوییم(چشمه نور،۱۳۹۵).

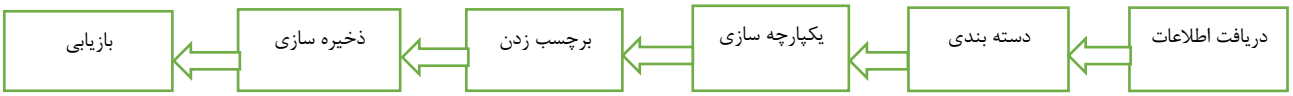

نمودار۲: مراحل ادراک. منبع(پاکزاد،۱۳۹۳).

۴-۶-۴-قوانین بصری در ادراک

بینایی از مهم ترین حواسی است که در درک آثار معماری و درک از فضا کاربرد دارد. معماران با به کارگیری عامل مقیاس، تناسب، رنگ، شکل، و ... که توسط چشم به مغز برای پردازش و تحلیل انتقال داده می شود، مفاهیم طراحی خود ببیننده انتقال می دهند. امروزه با شناخت بیشتر حس بینایی و ماهیت فیزیولوژی ادارک بصری در درک اشکال و احجام قوانین روانشناسی ادارک از جمله قانون گشتالت، کنش متقابل ادراک، نظریه اکولوژیک ادراک و .... به وجود آمده است که به کمک طراحان برای انتقال مفاهیم به درک ناخودآگاه انسان و اثربخشی آن بر وی آمده است(چشمه نور،۱۳۹۵).

۴-۶-۵-نسبت صوت و ادراک آثار

در بین حواس، حس بینایی و چشایی تجربه فیزیکی مغز در خلق و تولید یک تصور است، اما صدا تنها شنیده نمی شود بلکه احساس می شود، دیدن و شنیدن(شنیدن تکی) متداول تر از حس چشیدن و بویایی است. بر این اساس تأثیر تمهیدات صوتی در موزه ها به همان اندازه تمهیدات برای درک آثار اهمیت دارد. به کارگیری صورت کمک به القای روح فضا به بازدیدکنندگان می کند.در نتیجه در یک موزه می توان متناسب با رنگ آثار یا رنگ زمینه فضا، موسیقی متناسب را انتخاب کرد.

جدول۳: ارتباط رنگ، صدا، احساس.

رنگ	ساز متناسب با آن	احساس القا کننده
قرمز	سازکوبه ای	انرژی بالا ، شور و هیجان
نارنجی	زنگ، تار	انرژی کم و بدون هیجان
زرد	سازه های بادی و فلوت و نی	گرما، خرد، شادی ، محرک ذهنی
سبز	سازهای زهی متوسط	تعادل، توانایی، میانه روی ، آرامش و سکون
آبی	ساز های زهی، صداهای بم	سما ، صلح ، آرامش، معنویت، هارمونی
نیلی	سازهای بادی	سرما، درک و تفکر
بنفش	سازهای بادی صدای بم	سرما، فانتزی، القا کننده
مشکی	ناقوس، طبل	سکوت ابدی، غم انگیز، اسرار آمیز
سفید		سکوت مطلق

منبع (پاکزاد،۱۳۹۳).

۴-۷-تأثیر حس بویایی و چشایی در ادراک محیط

معمولاً حس بویایی و چشایی همراه است. نمونه آن دیته بندی عطرها با عنوان شیرین یا تلخ می باشد. در ادراک انسان از فضا هم عموماً این دوحس همراه هم می‌آیند و می تواند برای انسان از محیط تصور خوب یا بد و متفاوت بسازد. در طراحی یک فضای بسته به محیط و موضوع آن برای اثربخش بهتر و خاطره انگیزی محیط برای مخاطب از برخی تکنیک هایی از قبیل به کارگیری حس بویای فرد می توان استفاده کرد . این موضوع همیشه مصداق ندارد(چشمه نور،۱۳۹۵).

۴-۷-۱-تفکر و آگاهی از طریق حواس و ادراکات حسی

به گفته یوهانی پالاسما، ۱ معمار و اندیشمند پدیده شناس، در مفهو بنیادی شناخت و پردازش داده‌های مربوط به روش بودن در جهان، کل شاکله بدنی و ادراکات حسی ما «می اندیشد»و واسطه ای برای واکنش‌های رفتاری‌مان است(پالاسما، ۱۳۹۲: ۱۲۳-۱۲۴). مارتین هایدگر در مقاله اندیشیدن چه می‌طلبد؟[2] متفکران پدیده شناسی بر این باورند که تفکر اساساً علمی است جسمانی و اگر تن انسان نباشد، اوقدر به اندیشیدن نخواهد بود. تن بخشی از دستگاه حافظه ماست.

جدول۴: نظریات نظریه پردازان.

نظریه پردازان	نظریات در مورد ادارک حسی محیطی
مرلوپونتی	ادراکات حسی صرفاً رخدادهای آگاهانه یا شناختی نیست که بتوانیم بر مبنای آن قابلیت های فکری خود را پرورش دهیم. ادراکات حسی از بسیاری جهت ها آغازین و اساسی، پیشاًگاهانه و پیشامضمونی است یعنی پیش از آنکه ذهن ما معنای ادراک حسی را یک مضمون قابل تعقل بیابد، تأثرات آن را به طور عینی و ملموس ادراک میکند. نتیجه آنکه بدن در ادراک حسی نقش مسلط و غالب دارد.
هانا ارنت	فیلسوف سیاست و پدیده شناس ذهن، هستی همه کائنات را معلول به ادراک درآمدن توسط موجودات ذی شعوری چون آدمیان معرفی می‌کند که مجهز به اندام های حسی اندتا «بودن»آن ها را درک کنند و از کیفیت وجودشان آگاهی یابند.
پالاسما	معمار و اندیشمند پدیده شناس، در مفهو بنیادی شناخت و پردازش داده‌های مربوط به روش بودن در جهان، کل شاکله بدنی و ادراکات حسی ما «می اندیشد»و واسطه ای برای واکنش های رفتاری مان است.
هایدگر	متفکران پدیده شناسی بر این باورند که تفکر اساساً علمی است جسمانی و اگر تن انسان نباشد، اوقدر به اندیشیدن نخواهد بود. تن بخشی از دستگاه حافظه ماست.

منبع (چشمه نور،۱۳۹۵).

---

1 Juhani Pallasmaa (1936-)
2 what calls for thinking?

۵-نتیجه گیری

هدف از ایجاد فضای فرهنگی همان موزه ها، تحقیق در آثار و شواهد به جای مانده انسان و محیط زیست او، گرداوری آثار، حفظ و بهره وری و ایجاد ارتباط میان این آثار، به ویژه به نمایش گذارندن آن ها به منظور بررسی و بهره معنوی است. چنانکه چشم انداز فرهنگی موزه ها با این سخن تعریف شده است: کشوری که در آن زندگی می‌کنیم و تصاویر و نمادهایی که ما را احاطه کرده‌اند، به نوعی بیانگر این چشم انداز است و به آن شخصیت می‌بخشد. این چشم انداز در بطن جغرافیا، تاریخ، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ جستجو می شود. این همان ماحصل عملکرد موزه است. از سویی موزه‌ها می‌توانند روایان بی طرف تاریخ، فرهنگ و هنر باشند. عظمت زیستن و پیچدگی حیات را به منزله ی واقعیت به شکلی نمادین ارائه می دهند و احتمالاً به همین دلیل است که موزه‌ها می توانند به امر خیالی که نشانگر جستجوی بی‌پایان بشر در پی خود است در خور بدهند. موزه‌ها در حقیقت نماد، پیشینه تاریخ و تمدن، غنای فرهنگ و هنر کشورها هستند که احداث آن‌ها به امری زیر ساختی و یک ضرورت ملی- فرهنگی تبدیل شده است.

۶-منابع

۱. اشرفی، مهناز۱۳۸۹، بررسی مقایسه مفهوم اکو موزه با موزه های سنتی، نامه معماری و شهرسازی، شماره ۴ صص ۶۱-۷۵.
۲. پالاسما، یوهانی (1390) چشمان پوست، معماری و ادراکات حسی، ترجمه رامین قدس، تهران :پرها نقش.
۳. پالاسما، یوهانی(1392)دست متفکر، حکمت وجود متجسد در معماری، ترجمه علی اکبری، تهران :پرها
۴. نقش.
۵. پاکزاد ، جهانشاه و حمیده بزرگ،۱۳۹۳، الفبای روانشناسی محیط برای طراحان، آرمان شهر، تهران
۶. چشمه نور، محیا، ۱۳۹۵، کتاب سیری در اصول طراحی موزه(به سفارش اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی، و گردشگری استان خراسان، انتشارات پشتیبان،چاپ اول.
۷. زاهدی، م، خیامباشی،مریم، حاجی ها، بهاره ۱۳۸۷.موزه، موزه داری، موزه ها، تهران:چهار باغ.
۸. طالبیان ، نیما، آتشی، مهدی،۱۳۸۵، مجموعه کتب عملکردهای معماری (موزه)، انتشارات حرفه.
۹. مکوندی،آناهیتا، رحیم زاده، محمدرضا، ۱۳۹۳، مقاله بررسی مبانی نظری موزه های مردم شناسی، همایش ملی پژوهش‌های کابردی.
۱۰. هایدگر، مارتین (1391) .هستی و زمان، ترجمهٔ عبدالکریم رشیدیان، چاپ دو ، تهران :نشر نی.
۱۱. هایدگر، مارتین (1379). در :نیچه و دیگران، هرمنوتیک مدرن، ترجمه بابک ، «ساختن، باشیدن، اندیشیدن(. »
۱۲. احمدی و دیگران، تهران :نشر مرکز.

13. Johnson, M., (1987). The Body in the Mind: Bodily, basis of meaning, imagination and reason. the University of Chicago Press. Illinois and London. Lakoff, G., & Johnson, M. (1999). Philosophy in the flesh: The embodied mind and its challenge to western thought. New York: Basic books. Merleau-Ponty, M., (2002). Phenomenology of Perception. translated by Colin Smith. London & New York: Routledge.
14. Pallasmaa, J., (2009). The Thinking hand: existential and embodied wisdom in architecture. chichester: John Wiley & Sons.